

منابع با ارزش کشور خواهد بود. وجود بخشنامه‌های متعدد و متضاد دولتی - که همواره عامل کُندی در پیشرفت کارآفرینی و مانع ارتقای کسب‌وکار در کشور بوده - به واقع از بزرگترین مشکلات بر سر راه توسعه فضای کسب‌وکار در ایران است. وجود انحصارات و شبه انحصارات در بازار کسب‌وکار ایران هم به عنوان یکی دیگر از مسایل پیش روی این بازار است که خود عاملی تأثیرگذار و بازدارنده تلقی می‌شود که مستلزم توجه بیشتر دولت است. اغراق نخواهد بود که بگوییم، عملاً بوروکراسی‌های دولتی باعث ایجاد این انحصارات و شبه‌انحصارات شده‌اند. اگر ما به شاخص‌های آزادی اقتصادی در فضای کسب‌وکار توجه کنیم، ملاحظه خواهیم کرد که ایران در میان شاخص‌های آزادی رتبه جالبی ندارد و بدتر آن است که اختلاف زیادی با سطح بین‌المللی دارد. شایان ذکر است که این شاخص‌ها جنبه سیاسی نداشته و بیشتر جنبه اقتصادی دارند. آنچه دولت می‌باید توجه جدی‌تری به آن داشته باشد، این است که باید فضای رقابتی را در کشور ایجاد کند تا هم انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و تولید در کشور افزایش یابند و هم قیمت‌های رقابتی که نسبت به قیمت‌های انحصاری در سطح مطلوب‌تری قرار دارند، در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گیرند. ■

رکود در فضای کسب‌وکار خواهیم بود.

عامل مهم دیگری که در بحث‌های مربوط به نفت و درآمدهای حاصل از آن - که اثر نامطلوبی بر فضای کسب‌وکار کشور دارد - وارد می‌شود، بحران اقتصادی است. بحران اقتصادی حاضر که باعث بروز مشکلات فراوانی در اقتصاد کشورهای مختلف جهان شده است، از دو طریق که به صورت تنگاتنگ با هم در ارتباط هستند، بر فضای کسب‌وکار ایران تأثیرگذار بوده است. یکی از طریق کاهش تقاضا برای نفت و دیگری کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی که نتیجه این دو اثر، کساد کسب‌وکار در ایران - نه تنها در بر بخش نفت، بلکه در تمام بخش‌های اقتصادی - بوده است.

عامل دیگری که از اهمیت خاصی برخوردار بوده و می‌باید آن را یکی از مهمترین دلایل اُفت فضای کسب‌وکار بدانیم، وجود بوروکراسی‌های دولتی در ایران است. کاغذ بازی‌ها و قوانین و دستوراتی که همگی باعث کُندی چرخه اقتصاد، تولید و توسعه کشور می‌باشند، عواملی هستند که توجه جدی مسئولان را می‌طلبند. به عنوان مثال اگر فردی بخواهد یک کارگاه کوچک تولیدی ایجاد نماید، باید سال‌ها به دنبال بوروکراسی‌های دولتی برود که این مسأله، تنها به معنای اتلاف

خط لوله صلح ایران - پاکستان، بدون هند

## بُرد و باخت

**رسالت خط لوله‌ای که قرار بود با انتقال گاز به شبه قاره هند، به خط لوله صلح پاکستان و هند تبدیل شود، عملاً با خروج هند نیمه تمام باقی ماند.**



پرونده هسته‌ای، دولت هند علیرغم موافقت اولیه، زیر فشار آمریکا از تعهدات خود شانه خالی کرد و عملاً بعد از گذشت ۱۰ سال از شروع پروژه، از این پیمان خارج شد و تنها پاکستان

ایران به عنوان دومین کشوری که دارای ذخایر عظیم نفت در جهان است از بدو پیروزی انقلاب اسلامی در تلاش بود تا با ایجاد شرایط مناسب بتواند نقش مهمی در صادرات گاز در منطقه و جهان برعهده بگیرد، اما در دهه‌های اول انقلاب، به جهت مشکلات ناشی از جنگ، عدم شناخت ارزش انرژی گازی در جهان و اولویت صادرات نفت، این مسأله پیشرفت قابل توجهی نداشته است. از اوایل دهه سوم انقلاب، با رشد مصرف گاز طبیعی در جهان و شناخت فواید تولید این نوع از انرژی، جمهوری اسلامی ایران درصدد صادرات این انرژی برآمد. اولین تجربه ایران، صادرات گاز به ترکیه بود و بعد از آن هم صادرات گاز ایران به ارمنستان محقق گردید. اما مسأله صادرات گاز ایران به پاکستان و هند، علاوه بر جنبه اقتصادی، جنبه سیاسی نیز داشت. هند و پاکستان به خاطر نزاع کشمیر، چندین بار وارد جنگ شده‌اند و همواره روابط سیاسی دو کشور یک وضعیت "نه جنگ و نه صلح" بوده است.

به عنوان مقصد نهایی فعلی خط لوله مذکور باقی ماند. نکته قابل توجه آن است که تحلیل هزینه‌های احداث خط لوله مذکور، بدون در نظر گرفتن عواید سیاسی و اقتصادی این پروژه عظیم، هیچ‌گونه توجیه اقتصادی ندارد و کاری کاملاً غیرمعقول به نظر می‌رسد. با توجه به کمبود گازی که ما در داخل کشور داریم، این مسأله مطرح است که ما تا چند سال قادریم با شرایط فعلی به پاکستان انرژی صادر کنیم؟ چراکه به دلیل تعهدآور بودن این قرارداد برای کشور که مدت نزدیک به ۳۰ سال تأمین گاز کشور خریدار را تعهد نموده است و با توجه به رشد سریع قیمت گاز در جهان، عقد قراردادی بلندمدت به نفع کشور نخواهد بود. از سوی دیگر، این سؤال مطرح است که مشتری بعدی ایران چه کشوری در شبه قاره است؟ طبق برآوردهای اقتصادی در صورت عدم تکمیل امتداد این خط لوله به سایر کشورها و عدم استفاده از ظرفیت این خط لوله، ارزش اقتصادی و سیاسی این پروژه کم‌رنگ خواهد شد. در نهایت باید گفت خط لوله گاز ایران به شبه قاره، در صورت عدم پیوستن هند و چین به این پروژه، اهداف اولیه طرح را محقق نخواهد ساخت و بیش از آن که ما از این پروژه بهره‌برداری سیاسی و اقتصادی نماییم، این پاکستان است که هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی امتیازاتی را اخذ می‌نماید که لازم است در این خصوص به جد، بررسی‌های کارشناسی صورت پذیرد. ■

به علاوه با توجه به مصرف بالای گاز در هندوستان و همچنین نیاز پاکستان به گاز ایران، مسأله صادرات گاز ایران به هندوستان از مسیر پاکستان یکی از گزینه‌های ناگزیر صادرات گاز ایران به این کشورها بود که با عنایت به اختلافات موجود بین هند و پاکستان، این خط لوله به عنوان خط لوله صلح بین دو کشور معرفی گردید. ولی واقعیت این است که اختلافات بین هند و پاکستان عمیق‌تر از آن چیزی است که ما فکر می‌کردیم. از سوی دیگر، با عنایت به هزینه‌های بالای انتقال گاز به این دو کشور و شرایط حفظ امنیت خط لوله، این مسأله با کُندی انجام گرفت. در حقیقت، هدف عمده، انتقال خط لوله گاز ایران به شبه قاره هند بود که بازار بسیار بزرگی برای این صادرات می‌توانست باشد و بر مبنای همین مسأله و توافقات اولیه، شرکت گاز ایران اقدام به احداث و تکمیل خط لوله مذکور نمود. با گذشت روند احداث خط لوله و اوج گرفتن فشارهای بین‌المللی به جمهوری اسلامی ایران به بهانه